



Research Paper

Analyzing Iran's Cultural Role in the Evolutionary Process of Informing European*

Omid Ali Masoudi

10.22034/CDRJ.2024.473343.1013

Professor, Department of Communication, Faculty of Culture and Communication, Soore University, Tehran, Iran

masoudi@soore.ac.ir

0000-0003-2491-3288

ABSTRACT

Background and purpose: The primary purpose of this research is to know the position of Iran in the establishment of the first information network in Iran and the formation of information networks as a cultural identity and intercultural phenomenon, which has found other forms in its historical process with the emergence of new media.

Research method: This research was done through library research (documents) and using historical sources and data capture techniques to collect data and descriptive-analytical method.

The results of the research: Contrary to the claims of the Europeans, the results indicate that the first news agencies using carrier pigeons were established 2500 years ago in the eastern part of the world and the Achaemenid Empire. In 1198 AD, imitating the information of the Achaemenid era, a regular network was established in The Vatican to receive news from bishops, priests, monks of different sects, and tax collectors. Such a regular network caused the presence of representatives of other countries and the formation of diplomats in the Papal Court to obtain news and information. The first diplomats' job was actually to deliver this news to their governments. Also, the first experiences of Iranians, in the historical process of the evolution of information and diplomacy methods, in the form of All kinds of news agencies and social networks were taken. With the formation of news agencies, the West sought to dominate its news.

Received: 2024-05-19
Accepted: 2024-07-09

Keywords:

Achaemenians,
News Agency,
Printing House,
Internet,
Information.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

واکاوی نقش فرهنگی و سیاسی ایران در روند تکاملی اطلاع‌رسانی اروپاییان*

doi 10.22034/CDRJ.2024.473343.1013

امیدعلی مسعودی

استاد گروه ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران

masoudi@soore.ac.ir

id 0000-0003-2491-3288

چکیده

هدف اصلی این تحقیق شناخت جایگاه ایران در تأسیس نخستین شبکه اطلاع‌رسانی در جهان و شکل‌گیری شبکه‌های اطلاع‌رسانی به‌عنوان هویت فرهنگی و پدیده میان‌فرهنگی است که در روند تاریخی خود با پیدایش رسانه‌های جدید، اشکال دیگری یافته است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و با استفاده از منابع تاریخی و تکنیک فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها و شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که برخلاف ادعای اروپاییان، نخستین خبرگزاری‌ها ۲۵۰۰ سال پیش در مشرق‌زمین و در امپراتوری هخامنشی با استفاده از کبوترهای نامه‌بر و اسب‌های تندرو تأسیس شده‌اند. چاپارخانه‌ها در دوران داریوش‌شاه به نقل‌وانتقال اخبار در درون حکومت می‌پرداختند. در اروپا از سال ۱۱۹۸ میلادی به تقلید از اطلاع‌رسانی دوران هخامنشیان، در دربار پاپ شبکه منظمی برای دریافت اخبار توسط اسقف‌ها، کشیش‌ها، راهبان فرقه‌های مختلف و مأموران وصول مالیات به وجود آمد. ایجاد چنین شبکه منظمی سبب حضور نمایندگان دیگر کشورها و ظهور دیپلمات‌ها در دربار پاپ برای کسب اخبار و اطلاعات شد که کارشان رساندن این اخبار به دولت‌هایشان بود.

تجربه‌های نخست ایرانیان در روند تاریخی تکامل شیوه‌های اطلاع‌رسانی و دیپلماسی، به شکل‌گیری انواع خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی انجامید که در ادامه با شکل‌گیری خبرگزاری‌ها، غرب در صدد سلطه خبری خود برآمد.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

واژگان کلیدی:

هخامنشیان، خبرگزاری،

چاپارخانه، اینترنت،

اطلاع‌رسانی.



* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

<https://cdrzj.icro.ir>

مقدمه

ایران زادگاه نخستین شبکه اطلاع‌رسانی گسترده در جهان است که از طریق چاپارخانه‌ها به ایفای نقش نظارتی حکومت بر جامعه پرداخته است. برخلاف تصور بسیاری از تاریخ‌نویسان غربی، ایرانیان پرچم‌دار خبررسانی در جهان بوده‌اند و این امر بخشی از هویت آنان در عرصه جهانی است. خبرگزاری‌های غربی و دستگاه دیپلماسی غرب از تجربه‌های ایرانیان در به‌سامان‌رساندن شبکه‌های اطلاع‌رسانی خود بهره‌ها برده‌اند. این تجربه بخشی از هویت‌شناسی ایرانیان است که باید بدان پرداخت. «طی قرون گذشته، آثار زیادی منتشر شده‌اند که نشان می‌دهند هویت ملی هویت پذیرفتنی برای افراد است. براین اساس، هویت ملی شالوده اصلی و مقدم بر سایر هویت‌هاست و از طریق آن می‌توان هویت‌های دیگر را شناخت. بسیاری از مردم آماده‌اند خود و عزیزترین کسانشان را در راه «ملی» فدا کنند؛ درحالی‌که در پذیرش آن به‌عنوان یک هویت نقشی هم نداشته‌اند» (مصباحیان، ۱۳۸۹: ۲۶۰).

شکل‌گیری نخستین سازمان‌های خبری مدرن جهان در سال ۱۸۳۵ میلادی، منبع جدیدی از قدرت برای نظام بین‌المللی بود. به‌ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، قدرت خبرگزاری‌های غربی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی، حاکمیت دولت‌ها و روابط بین‌الملل سبب شد تا دولت‌های ملی و مستقل برای جلوگیری از اثرات منفی اخبار خبرگزاری‌های بزرگ جهانی، چاره‌اندیشی کنند.

خبرگزاری‌ها در جنبه مثبت خود در کنار نمادهایی چون پرچم، سرود و رادیو به‌عنوان یکی از چهار نماد استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها، در جهان سوم نیز اهمیت داشته‌اند. به همان میزان که خبرگزاری‌های ملی درصدد تقویت حاکمیت دولت ملی بوده‌اند، خبرگزاری‌های جهانی نیز برای تغییر افکار عمومی ملت‌ها و مخدوش کردن مرزهای ملی و تعارض با دولت‌های مستقل فعالیت کرده‌اند.

تحولات نوین در عرصه فناوری اطلاعات و اخبار سبب دگرگونی فعالیت‌های خبررسانی

و کارکرد خبرگزاری‌ها در سراسر جهان شده است. تحولات نوین در فناوری انتشار خبر توسط خبرگزاری‌های ملی و جهانی اثرات مثبت و منفی دیگری بر روابط ملت‌ها و دولت‌ها و نظام بین‌المللی در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای خواهد داشت.

سیر تحولات وسایل ارتباط جمعی نشان‌دهنده سرعت انتقال اطلاعات و خارج شدن کنترل جریان اطلاعات و اخبار از دست دولت‌هاست که به شکل‌گیری «دیپلماسی رسانه‌ای» برای کنترل مخاطبان انجامیده است. «دیپلماسی رسانه‌ای به معنای استفاده از رسانه‌های جمعی برای برقراری ارتباط با بازیگران دولتی و غیردولتی به منظور اعتمادسازی، پیشرفت مذاکرات و بسیج حمایت عمومی از توافق‌هاست» (گیلبوا، ۱۳۹۶: ۸۹). این نوع دیپلماسی در عمل، با فعالیت‌های روزمره خبرنگاران و از طریق خبرگزاری‌ها و مطبوعات میسر است. «دیپلماسی رسانه‌ای از طریق فعالیت‌های معمول یا ویژه متعددی شامل کنفرانس‌های مطبوعاتی، مصاحبه و افشا [اطلاعات]، به علاوه دیدار سران کشورها و واسطه‌ها در کشورهای متخاصم و رویدادهای رسانه‌ای تأثیرگذار پیگیری می‌شود» (گیلبوا، ۱۳۹۶: ۸۹).

در این تحقیق برای شناخت سرچشمه‌های اصلی شکل‌گیری سازمان‌های خبری در جهان به واکاوی نقش تاریخی ایران در روند تکاملی اطلاع‌رسانی و فرهنگ اطلاع‌رسانی می‌پردازیم تا اهمیت اطلاع‌رسانی در ایران دوره هخامنشیان و نقش آن در شکل‌گیری نظام اطلاع‌رسانی جهانی آشکارتر شود.

برای بررسی تأثیر فعالیت‌های خبرگزاری‌ها بر روابط بین‌الملل ابتدا با استفاده از روش تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) و فیش‌برداری مطالب، سیر تحولات تاریخی پیدایش خبرگزاری‌های بین‌المللی را بررسی خواهیم کرد. سپس نشان خواهیم داد که شکل‌گیری نخستین خبرگزاری‌ها در اروپا با تأثیرپذیری از فرهنگ اطلاع‌رسانی ایرانیان انجام شده است. سرانجام ضمن ارائه چشم‌اندازی از آینده خبرگزاری‌ها در جهان امروز، راهکارهایی برای بهره‌برداری صحیح از دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان بخشی از فرهنگ جامعه در خبرگزاری‌های ملی و بین‌المللی ارائه خواهیم کرد.

در زمینه سیر تاریخی شکل‌گیری خبرگزاری‌ها در ایران و جهان و تأثیر آن بر دیپلماسی رسانه‌ای، تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است و این نخستین پژوهش در این زمینه است. اهمیت این تحقیق در بُعد نظری، شناخت جایگاه ایران در تأسیس نخستین شبکه اطلاع‌رسانی است که خط بطلانی بر مؤسس‌بودن کشورهای غربی می‌کشد. با توجه به نقش و اهمیت خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و شیوه‌های استفاده دولت‌ها در گذشته و حال و شرایط نوینی که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در ظهور ارتباطات تعاملی در جوامع امروز فراهم کرده‌اند، دولت‌ها دیگر نمی‌توانند از «قدرت سخت» و شیوه‌های زورگویانه بهره‌ای ببرند، از این‌رو با کمک رسانه‌ها و استفاده از «قدرت نرم» و دیپلماسی رسانه‌ای درصدد پیشبرد اهداف و آرمان‌های خود هستند. از این نظر، اهمیت تحقیق حاضر در شناخت وضعیت تاریخی و دیپلماسی رسانه‌هاست. ضرورت انجام تحقیق نیز آشنایی مؤسسه‌های خبری و دستگاه فرهنگی کشور با تاریخ اطلاع‌رسانی در ایران و هویت تاریخی آن‌هاست که مقوم تلاش آنان در راه اطلاع‌رسانی و ابتکار در هدایت افکار عمومی کشور است.

۱. بحث و بررسی

مسیر تحولات تاریخی پیدایش خبرگزاری‌های بین‌المللی بیانگر آن است که ابتدا به شکل سنتی و با استفاده از نیروی انسانی و حیوانات در انتقال اخبار و اطلاعات در جهت تأمین سیاست‌ها و منافع حکومت‌ها و حفظ قدرت سیاسی‌شان پا به عرصه حیات گذاشتند و سپس با رشد و تکامل سیستم‌های مخابراتی، از دو شیوه مدرن کابلی و اینترنتی برای انتشار اخبار سود برده‌اند.

۱-۱. خبرگزاری‌های سنتی

فن انتقال پیام توسط سوارکاران و کبوتران نامه‌بر، نخستین بار حدود پانصد سال پیش از میلاد در مشرق‌زمین تجلی یافت؛ همچنان که قدیمی‌ترین تشکیلات منظم پستی در مشرق‌زمین و

توسط پادشاهان بزرگ سلسله هخامنشی در ایران پایه‌گذاری شد. کوروش بزرگ نخستین پادشاه هخامنشی، در سرزمین ماساگت‌ها در شرق قلمرو خود در سال ۵۳۰ پیش از میلاد کشته شد. برخی تاریخ‌نویسان معتقدند زندگی او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. پس از کوروش، پسرش کمبوجیه جانشین او شد و در سال ۵۲۵ پیش از میلاد مصر را فتح کرد. سه سال بعد وقتی در مصر بود، گئومات خود را شاه نامید. کمبوجیه برای بازپس‌گیری حکومت رو به پارس نهاد ولی در راه بازگشت در حین سوارشدن بر اسب با توطئه گئومات و با خنجری که از پشت بر او وارد آمد، کشته شد.

در باب احتمال همدستی گئومات با کمبوجیه در قتل برادرش بردیا، روایت کتسیاس جالب توجه است که اشاره می‌کند گئومات به سبب جرمی که مرتکب شده بود از سوی بردیا مجازات شده و از این‌رو، کینه او را به دل گرفته و کمبوجیه را به قتل او تشویق و ترغیب کرده است. آنچه روایت کتسیاس را قوت می‌بخشد، روایت تاریخ‌نویس مشهور هرودت از جرم گئومات و بریده‌شدن گوش‌هایش است. گئومات که با کمبوجیه هم‌دست شده بود پس از قتل او، در نقش برادرش بردیا به مدت پنج سال، نقش پادشاه را ایفا کرد، اما پس از مطمئن‌شدن از دوری کمبوجیه و محکم‌شدن جای پایش در دربار، فرصت را غنیمت شمرد و خود را صاحب تاج و تخت دانست و با بخشش مالیات‌ها و برداشتن ارتش و خدمت سربازی، نزد توده مردم برای خود محبوبیتی به دست آورد. هرچند این اقدامات در نهایت به زیان امپراتوری بود اما به گئومات در به‌دست‌آوردن مشروعیت کمک شایانی کرد (صفایی، ۲: ۱۳۹۰)؛ اما به‌هرروی، داریوش یکم توانست حیلۀ او را آشکار کرده و پس از کشتنش، خود بر اورنگ شاهی بنشیند. جمعی از بزرگان پارسی به رهبری داریوش، به گئومات شاه دروغین حمله کردند و او را کشتند. در نتیجه داریوش شاه شد. او پسر یا برادر کوروش نبود و از تیره دیگری از هخامنشیان بود. پس از آن خیلی از استان‌های تابعه شورش کردند که مهم‌ترین آن‌ها ماد و بابل بودند. داریوش همه را دوباره مطیع خود کرد و پس از نوزده جنگ، آرامش به امپراتوری هخامنشیان بازگشت (صفایی، ۱۳۹۰: ۳). داریوش با کسب تجربه از حیلۀ گئومات، برای

درامان ماندن از توطئه‌ها، سیستم منظم اطلاع‌رسانی را در سرزمین پهناور هخامنشی تأسیس کرد و در واقع نخستین خبرگزاری را در یک امپراتوری وسیع به وجود آورد.

همان‌گونه که بسیاری از تاریخ‌نویسان از جمله هرودت تاریخ‌نویس بزرگ یادآور شده‌اند، قدیمی‌ترین تشکیلات منظم پستی که به نقل و انتقال اخبار و پیام‌ها اشتغال داشته است، در زمان پادشاهان بزرگ سلسله هخامنشی ایران ایجاد شده است. در این تشکیلات منظم، چابک‌سواران سوار بر اسب یا قاطر جاده سارد (پایتخت لیدی در سرزمین یونان) به «شوش» (پایتخت پارس در سرزمین ایران) و نیز جاده خراسان و خلیج فارس به شوش را بی‌وقفه در دو مسیر رفت و آمد طی می‌کردند و اخباری را که حاکمان ایالت‌های مرزی خطاب به داریوش شاه (۵۲۲-۴۸۶ پ.م) می‌فرستادند، به پادشاه هخامنشی می‌رساندند و آنگاه فرمان داریوش را به حاکمان مرزی ابلاغ می‌کردند. داریوش مأموران را مخفیانه به حکومت‌های تحت امرش می‌فرستاد تا اطلاعاتی کسب کرده و برای دربار شاه بفرستند. این مأموران اخبار خود را به وسیله پیام‌رسانان سوارکاری که «چاپار» نامیده می‌شدند به داریوش گزارش می‌کردند.

«چاپارها در کنار نقل و انتقال گزارش‌های مأموران بازرسی داریوش، با اسب‌های تندرو، پیام‌ها و نامه‌ها را از شهری به شهر دیگر نیز می‌بردند. حکومت‌های پادشاهی یونان و همچنین حکومت امپراتوری ساسانی که پس از پیروزی اسکندر بر داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی، مشرق را بین خود تقسیم کرده بودند، از این شیوه انتقال اخبار داریوش تقلید کردند و آن را به کار بستند. حتی پس از آن‌ها حکومت روم و بیزانس از یکسو و خلفای مسلمانی که وارث درجه دوم سنت و روش سلسله پادشاهی هخامنشی بودند از سوی دیگر، انتقال اخبار توسط چاپارها را حفظ کردند و به دلیل کارآمدی آن را بسط و توسعه دادند» (ساماران و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۴۹).

نظام پیوستگی و سامان‌دهی‌ای که در تشکیلات پستی و اطلاع‌رسانی مشرق‌زمین از دوره هخامنشی تا مغول‌ها وجود داشته، در مغرب‌زمین همتایی نداشته است. غربی‌ها نخستین تشکیلات رسمی انتقال اخبار را به تقلید از مشرق زمین به وجود آوردند. باین‌همه در سال

۱۳۵۷ میلادی، از ادغام هفده شرکت سوداگری فلورانس، شرکت «پست سوداگران فلورانس» شکل گرفت. این شرکت هر هفته از راه بندر جنوا، یک پیک همگانی از فلورانس به آوینیون که مرکز دربار پاپ بود، می‌فرستاد و پیک را در جهت مقابل یعنی از آوینیون به فلورانس گسیل می‌داشت. دربار پاپ از سال ۱۱۹۸ میلادی از شبکه منظم دریافت اخبار توسط اسقف‌ها، کشیش‌ها، راهبان فرقه‌های مختلف و مأموران وصول مالیات بهره‌مند بود. شاید این رویکرد پاپ به سوداگران و شبکه خبری آن‌ها بود که در کنار شبکه منظم دریافت اخبار کلیسا، در زمان پاپ کلمنس ششم^۱ در سال ۱۳۴۸ میلادی نخستین خبرگزاری خصوصی سستی را در جهان پایه‌گذاری کرد.

«پاپ کلمنس ششم در سال ۱۳۴۸ (میلادی) پا را از این نیز فراتر گذارد. هنگامی که قلمرو سیسیل زیر نظر مستقیم دربار پاپ اداره می‌شد و به واسطه لشکرکشی فاتحانه لویی دو هنگری^۲ [۱۳۸۲-۱۳۲۶] پادشاه هنگری] مورد تهدید قرار گرفت، پاپ دیگر از آنجا خبری دریافت نمی‌کرد و نگران و هراسان پیوسته در این اندیشه بود که کلیه امکانات معنوی، دیپلماتیک و مالی کلیسا را در اختیار ملکه ژان اول قرار دهد؛ لذا از شرکت فلورانس آلبرتی آنتیچی^۳ که آن زمان اداره امور مالی وی را به‌طور انحصاری در دست داشت، تقاضا کرد بدون فوت وقت کلیه اطلاعاتی را که قادر است درباره حرکت پادشاه هنگری و موقعیت قلمرو سیسیل گرد آورد، در اختیار او بگذارد. ضمناً پاپ پرداخت کلیه هزینه‌هایی را که شرکت برای تهیه اخبار متحمل می‌شد، تقبل کرد. مسئله مهم این بود که پاپ امتیاز شرکت‌های تجاری را برای به‌دست آوردن اخبار به رسمیت می‌شناخت و به‌خصوص با پرداخت پول به شرکت آلبرتی آنتیچی در برابر دریافت اطلاعات، آن شرکت را به‌صورت بنگاه واقعی خبرگزاری درآورد. بدین طریق بود که منبع جدید اطلاعاتی که در آن زمان ضروری بود، یعنی همان بنگاه

1. Clement VI
2. Louise de Honyerie
3. de Alberti Antichi

خبرگزاری در دنیا شکل گرفت. این بنگاه از آغاز پیدایش مؤسسه‌ای خصوصی بود»
(ساماران و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۷۳-۱۷۱).

دسترسی پاپ به اخبار و اطلاعات، سوداگران «ونیز» که حکومت را هم در دست داشتند واداشت تا نمایندگان دائمی شورای عالی شهر را به مراکز عمده مسیحیت گسیل دارند، زیرا شورا دریافته بود فقدان شرکت‌های بزرگ تجاری با شعبه‌های متعدد، ونیز را از دریافت منظم اخبار از راه منابع خصوصی محروم می‌کرد. شورای عالی شهر ونیز برای خارج شدن از انسداد خبری، راه‌حل دولتی را پذیرفت و به شبکه خبری پاپ پیوست.

«در میان حکومت‌های کاتولیکی، جمهوری ونیز نخستین حکومتی بود که تصمیم گرفت نمایندگانی دائمی به مراکز عمده مسیحیت نزد پاپ، پادشاه فرانسه و امپراتور آلمان بفرستد. این نمایندگان نخستین سفرایی بودند که نامه‌هایشان به شورای عالی شهر، قدیمی‌ترین منبع پیوسته اطلاعاتی را درباره زندگی عالم مسیحیت به دست می‌داد، اما رسم فرستادن سفیر یا مقام ثابت، روش رسمی گردآوری اخبار بود. پس از زمانی کوتاه، پاپ، لویی یازدهم و کلیه سلاطین از این رسم پیروی کردند. رسم فوق به همان صورت تا عصر ما نیز دوام یافته است. اولین بنگاه خبرگزاری خصوصی بدون تردید شرکت فلورانس آلبرتینی آنتیچی در اواسط قرن چهاردهم بود» (ساماران و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۷۴-۱۷۳).

بدین ترتیب شبکه انتقال اخبار به سرعت خبرها را به دربار پاپ می‌رساند و با پیوستن سفیران شورای عالی ونیز به مناطق مختلف زمامداری پاپ، در واقع به این شبکه خبری متصل می‌شدند. پس تعجب چندانی ندارد که اولین سفیران سیاسی جهان برای گردآوری اخبار به محل‌های مأموریت دیپلماتیک خود اعزام می‌شدند. براین اساس، دیپلماسی با کسب خبر آغاز می‌شود تا دیپلمات‌ها در جهت اقتدار دولت‌های خود عمل کنند. «سفیران» نخستین خبرنگاران در حکومت ونیز بودند که تا سال‌ها به ارسال اخبار برای حکومت اقدام می‌کردند. به نظر می‌رسد اکنون پس از سال‌ها همچنان که روزنامه‌ها از شکل خبری به شکل تفسیری تغییر چهره

داده‌اند، سفیران دولت‌ها نیز به جای ارسال اخبار به ارسال تفسیر بسنده کرده‌اند.

۲-۱. خبرگزاری‌های مدرن

اگر اختراع ماشین بخار را واقعیت اساسی انقلاب صنعتی بدانیم، بی‌گمان برق نیروی اصلی دوم این انقلاب است، زیرا به‌رغم دیگر پیشرفت‌های خارق‌العاده و بااهمیت در صنعت شیمی، فولاد، موتور درون‌سوز، تلگراف و تلفن، تنها از رهگذر تولید و توزیع برق، دیگر رشته‌های صنعتی توانستند کاربردهای خود را گسترش دهند. با انقلاب صنعتی، اختراع برق و استفاده عمومی از آن در دهه ۱۸۷۰ میلادی به بعد و اختراع تلگراف و استفاده گسترده از آن در سال ۱۸۳۷ میلادی، شاهد سه پدیده مهم در ارتباطات انسانی هستیم: (۱) افزایش سرعت انتقال پیام و اخبار از طریق سیم‌های تلگراف که سبب کاهش هزینه‌های انتقال اخبار شد؛ (۲) حذف نیروی انسانی و حیوانی از چرخه انتقال خبر. دیگر حرکت امواج روی سیم‌های تلگراف، رمزها را از شهری به شهری می‌رساند. در پدیده دوم، تلگرافچی جایگزین سوارکاران می‌شوند و تلگراف‌خانه جای چاپارخانه را می‌گیرد؛ (۳) حذف فاصله مکانی و زمانی اطلاع‌رسانی که در اینترنت و فضای مجازی شکل می‌گیرد. این پدیده سبب می‌شود انتقال اخبار و اطلاعات از حیطه قدرت دولت‌ها خارج شده و بازیگران جدیدی که مردم هستند، وارد بازی سیاست شوند و دولت‌ها تلاش کنند با استفاده از قدرت نرم یا قدرت هوشمند، بر مردم تأثیر بگذارند.

ظهور خبرگزاری‌های مدرن در دو مقطع تاریخی نیمه اول قرن نوزدهم (۱۸۳۵ میلادی) و دهه پایانی قرن بیستم (۱۹۹۰ میلادی) دو شکل تکامل‌یافته‌تر از خبرگزاری‌ها را به نمایش می‌گذارد که باید آن‌ها را با عناوین خبرگزاری‌های کابلی و خبرگزاری‌های اینترنتی از یکدیگر متمایز کنیم.

تا پیش از ظهور شبکه‌های اینترنتی کار خبررسانی به‌وسیله دستگاه‌های تلکس و تلگراف صورت می‌گرفت. در واقع تولد نخستین خبرگزاری مدرن کابلی به سال ۱۸۳۲ میلادی می‌رسد. در این سال شخصی فرانسوی به نام شارل آگوست هاواس^۱ تصمیم گرفت با

1. Charles Aguste Havas

جمع‌آوری خبرهای مهم سیاسی و اقتصادی پایتخت فرانسه و ترجمه نشریه‌های خارجی که به پاریس می‌رسید، مطالب تازه‌ای را در اختیار مشترکانش در پاریس قرار دهد. به طور طبیعی «سفرای» مستقر در پاریس یا بهتر بگوییم دیپلمات‌ها و بازرگانان، اولین مشتریان هاواس بودند، اما کم‌کم با انتشار روزنامه‌های ارزان‌قیمت و پرشمارگان (تیراژ) فعالیت‌های خبری هاواس رونق بیشتری یافت.

«... هاواس برای تسریع در تهیه و توزیع اخبار، همه وسایل ارتباط و انتقال آن زمان از کبوتر نامه‌بر گرفته تا تلگراف و کابل‌های زیردریایی را مورد استفاده قرار می‌داد و به همین سبب موفقیت‌های فراوانی کسب کرد. آژانس هاواس در ابتدای قرن بیستم به مؤسسه‌ای اقتصادی تبدیل شد؛ به طوری که روزنامه‌های بزرگ و پرتیراژ فرانسه ناچار بودند وی را در فعالیت‌های عظیم خود شرکت دهند. در سال ۱۸۳۹ آژانس هاواس علاوه بر شعب فراوان خبرگزاری در اروپا و دیگر نواحی جهان، اداره آگهی‌های ۲۰۰ روزنامه را نیز بر عهده داشت» (Voyenne, 1962: 2).

در سال ۱۸۳۸ میلادی ساموئل اف. ب. مورس^۱ تلگراف را اختراع کرد و در سال ۱۸۴۹ میلادی نخستین خط تلگرافی بین آلمان، بلژیک و فرانسه دایر شد. در همین سال و هم‌زمان با افتتاح نخستین خط تلگراف بین سه کشور اروپایی، یکی از کارکنان آلمانی آژانس هاواس به نام *برنارد ولف*^۲، «خبرگزاری ولف» را در برلین آلمان تأسیس کرد. این در حالی بود که بازار اخبار در فرانسه و آلمان رونق گرفته بود و او این خبرگزاری را به موازات انتشار روزنامه «ناسیونال زایتونگ» راه‌اندازی کرد تا بتواند اخبار گردآوری‌شده خود را به دیپلمات‌های ساکن آلمان، تجار و نشریه‌های کشور بفروشد. پس از آن *پاول جولیس رویتر*^۳ در سال ۱۸۵۸ میلادی خبرگزاری رویتر را در لندن تأسیس کرد. رویتر نیز از کارمندان خبرگزاری هاواس بود. خبرگزاری آسوشیتدپرس به‌عنوان نخستین خبرگزاری در امریکا، در مه ۱۸۴۸ میلادی با

1. Samuel F.B.Morse
2. Barnard Wolff
3. Paul Julius Reuter

همکاری شش روزنامه نیویورکی تأسیس شد. در حال حاضر چهار غول خبری جهان عبارتند از: رویتر، آسوشیتدپرس، فرانس پرس و یونایتدپرس که کار تغذیه خبری روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون‌های بیشتر مناطق جهان را بر عهده دارند.

۲. تأثیر خبرگزاری‌ها بر روابط بین‌الملل

خبرگزاری‌های بین‌المللی به دلیل نفوذ و حیطة عملکردشان در کسب و انتشار اخبار، در همان ابتدای فعالیت، مفاهیم برخاسته از الگوی وستفالیایی حقوق و روابط بین‌الملل را به چالش فرا خواندند و به نظر می‌رسد با مرور زمان و در شرایط نوین کنونی، مجاری تعریف اهداف ملی را نیز تغییر خواهند داد.

در علوم روابط بین‌الملل، مسئله «منافع ملی»، مفهوم «حاکمیت ملی» را مطرح می‌کند. عهدنامه وستفالی که در سال ۱۶۴۸ میلادی پس از جنگ‌های سی‌ساله مذهبی بین کشورهای آن روز اروپایی امضا شد، بنیاد منشور حاکمیت ملی را در غرب پایه‌گذاری کرد و از آن تاریخ این اصل یکی از مهم‌ترین مفاهیم حقوق و قوانین بین‌الملل به‌شمار می‌آید. منشور حاکمیت ملی بر دو اصل استوار است: ۱) استقلال عملی و حق هر ملت در تعیین نوع حکومت و دولت در چهارچوب مرزهای نظام داخلی خود؛ ۲) عدم دخالت دولت در امور داخلی دولت دیگر و عدم تجاوز به مرزهای ملی دیگران.

«مفهوم جدید حاکمیت بین سده‌های پانزدهم و شانزدهم در اروپای غربی توسعه یافت. تعیین دقیق زمان ایجاد و پذیرش مفهوم حاکمیت دشوار است. معمولاً عهدنامه وستفالی (۱۶۴۸) را نقطه آغاز نظام دولت‌های اروپایی یعنی نظام دولت‌های حاکمی که تابع هیچ قدرت برتری نیستند، به حساب می‌آورند. صلح وستفالی را باید نقطه اوج این فرایند و نه نقطه آغاز آن دانست. اهمیت این رویداد در آن است که پایان قطعی یک دوران، و آغاز دوران دیگری است» (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

پایان جنگ جهانی دوم، رشد سرمایه‌داری و ظهور قدرت‌های جدیدی چون امریکا و

شوروی، نظام دوقطبی را بر جهان حاکم کرد و چالش‌های این دوران به‌ویژه جنگ سرد، نظم نوین جهانی را با حضور سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، شورای امنیت و یونسکو پُررنگ‌تر کرد.

اریک هابسبام^۱ استاد دانشگاه‌های انگلستان و آمریکا و تحلیل‌گر تاریخ قرن بیستم که به‌تازگی کتاب «عصر نهایت‌ها: تاریخ جهان ۱۹۹۱-۱۹۱۴»^۲ از او به زبان فارسی منتشر شده است، در مقاله‌ای پیرامون مفهوم حاکمیت ملی یادآور می‌شود:

«امروزه دولت حاکمیت ملی در حال ورود به مرحله جدیدی است. در واقع پس از یک دوره پیشرفت مداوم از اواخر قرن هجدهم تا دهه ۱۹۶۰، دولت ملی پا به مرحله‌ای از بلاتکلیفی و شاید عقب‌نشینی گذاشته است. دوره توسعه و تکامل دولت که حدود دو قرن طول کشید، اکنون رو به پایان است. نمی‌دانیم آینده دربردارنده چه چیزی خواهد بود، زیرا همان‌گونه که نویسنده می‌کوشد نشان دهد، برای انجام برخی وظایف اجتماعی که تاکنون به دست دولت‌ها انجام می‌شده، هیچ تمهید بدیلی اندیشیده نشده است» (هابسبام، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

هرچند فروپاشی شوروی در دهه پایانی قرن بیستم، جهان را وارد دوران جدیدی از تک‌قطبی شدن به سردمداری آمریکا کرد، اما دولت‌ها همچنان به نظام بین‌المللی و سازمان‌هایی چون ملل متحد چشم امید داشتند. این امیدواری هنگامی بیشتر رنگ باخت که آمریکا بدون در نظر گرفتن رأی سازمان ملل متحد، در مارس ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) با همکاری انگلستان به عراق لشکرکشی کرد و تمهیدات تازه‌ای را برای حل مسئله خلع سلاح دولت بغداد، بدون در نظر گرفتن آرای دیگر دولت‌های جهان ارائه داد. آیا با چنین تمهیداتی دوران نظام بین‌المللی به پایان رسیده است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند درک بیشتر واقعیت‌ها و رویدادهایی است که در فرصت‌های بعدی رخ خواهند داد و آینده جهان روشن خواهد ساخت که بحران کنونی در ساختار نظام بین‌المللی چگونه حل خواهد شد.

1. E.J.Hobsbawm

2. The Age of Extremes: A History of the World, 1914-1991

اریک هابسبام در تحلیل تاریخی تضعیف دولت‌ها و حاکمیت‌های ملی، سه عامل را مؤثر می‌داند: «نخست، ایجاد اقتصاد فوق ملی (یا فراملی) که اکثریت معاملات آن خارج از کنترل دولت‌ها صورت می‌گیرد یا حتی کنترل آن خارج از توان دولت‌هاست و توانایی آن‌ها را در اداره اقتصاد ملی محدود می‌کند؛ دوم، ظهور نهادهای منطقه‌ای و جهانی مانند اتحادیه اروپا و مؤسسه‌های بانکی بین‌المللی که در سال ۱۹۴۵ ایجاد شدند، نهاد دولت را تضعیف کرده است؛ سوم، با انقلاب تکنولوژیک در عرصه حمل‌ونقل و ارتباطات [تأکید از ماست]، مرزهای سرزمینی تا حد زیادی موضوعیت خود را از دست داده‌اند. جهانی که مردم آن، مگر با استثناهای نادر، در این یا آن کشور کار و زندگی می‌کردند، جای خود را به جهانی داده است که در آن مردم هم‌زمان در بیش از یک کشور زندگی و کار می‌کنند، یا در حال رفت‌وآمد بین کشورها هستند و نیز پیوسته در تماس آنی با هر نقطه از کره زمین به سر می‌برند» (هابسبام، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

با پذیرفتن این امر که ظهور نهادهای منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان تسهیل‌کنندگان جریان سرمایه در خدمت سرمایه‌داری جهانی هستند، باید تأکید کرد خبرگزاری‌های جهانی با پشتوانه مالی و مالکیت شرکت‌های فراملیتی در واقع نقش روابط عمومی سرمایه‌داری جهانی را برای تغییر فرهنگی و تأثیر بر افکار عمومی جهان بر عهده دارند و با در دست داشتن انحصار خبری جهان به این وظیفه جامه عمل می‌پوشانند.

«انحصار خبری جهانی بی‌چون‌وچرای چهار خبرگزاری بزرگ غرب - آسوشیتدپرس، یونایتدپرس ایترنشنال، رویتر و خبرگزاری فرانسه - که روزانه حدود چهل میلیون کلمه خبر در دنیا پخش می‌کنند، درحالی‌که هشتاد درصد خبرهای آن‌ها مربوط به کشورهای صنعتی با حدود فقط بیست درصد جمعیت جهان است، و در مقابل بیست درصد دیگر اخبارشان، هشتاد درصد جمعیت جهان در ممالک جهان سوم را دربرمی‌گیرد، نمونه دیگری از واقعیت‌های ارتباطات کنونی است» (معمدنژاد، ۱۳۸۲). اطلاعات مزبور اگرچه متعلق به سال ۱۳۸۲ است و امروزه بی‌شک وضعیت فراتر از آن زمان است، بیانگر سلطه خبری کشورهای صنعتی بر جهان است.

اخبار ارسالی توسط خبرگزاری‌های بزرگ غربی، جهان متضادی را پیش روی افکار عمومی ترسیم می‌کند. ریزار کاپوشینسکی^۱ روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور لهستانی در نشریه لوموند دیپلماتیک به این جهان متضاد اشاره می‌کند:

«در جهان متضادی به سر می‌بریم. از یک سو به ما می‌گویند توسعه و وسایل ارتباط جمعی تمام جهان را به یکدیگر وصل کرده است تا دهکده‌ای جهانی تشکیل دهد؛ از سوی دیگر، موضوع‌های بین‌المللی فضای کمتری را در اخبار رسانه‌ها اشغال می‌کنند و بر اخبار محلی (دولتی) و عناوین جنجالی، شایعات و زندگی خصوصی و احیاناً جنجال‌های مربوط به هنرپیشه‌ها و مردم سرشناس و اطلاعات کالایی تأکید بیشتری می‌شود» (کاپوشینسکی، ۱۳۷۸ الف: ۱۲).

وی همچنین با اشاره به یکی از خاطراتش در دنیای روزنامه‌نگاری، از جهت‌دهی و تحریف اخبار توسط صاحبان شبکه‌های خبری پرده برمی‌دارد:

«یکی از دوستانم در مکزیک برای شبکه‌های تلویزیونی امریکا کار می‌کند. روزی با او در خیابان برخورد کردم، درحالی‌که سرگرم فیلم‌برداری از درگیری دانشجویان با پلیس بود. پرسیدم چه اتفاقی افتاده است. او ضمن فیلم‌برداری گفت: اصلاً نمی‌دانم! من فقط تصاویر را ضبط می‌کنم و آن‌ها را برای شبکه می‌فرستم. آن‌ها خودشان می‌دانند با این مواد خام چه کنند» (کاپوشینسکی، ۱۳۷۸ ب: ۱۲).

اهمیت مسئله زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم جوزف. اس. نای جونیور^۲ معاون وزیر دفاع در دولت کلینتون، در مقاله‌ای با همکاری ویلیام. ای. اوئنز^۳ در فصلنامه فارین افیرز^۴ ارگان نخبگان سیاست خارجی امریکا، بر ضرورت کاربرد مؤثر فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی برای تعمیق و تحکیم سلطه فرهنگی امریکا بر جهان اصرار می‌ورزد. عنوان مقاله «لبه اطلاع‌رسانی امریکا» است که اشاره مستقیمی به نحوه اداره کردن جهان توسط امریکا دارد. نای و اوئنز در آغاز مقاله می‌نویسند:

1. Ryszard Kapuściński
2. Joseph S. Nye Jr
3. William A. Owens
4. Foreign Affairs

«هر کشوری که به نحو بهتری انقلاب ارتباطات را رهبری کند، قدرتمندتر از سایر کشورها خواهد بود و تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، این کشور امریکاست. امریکا قدرت آشکار نظامی و قدرت تولید اقتصادی را داراست، با این‌همه، مزیت مقایسه‌ای امریکا در این است که می‌تواند امکان گردآوری، پردازش، فرآوری و اشاعه اطلاعات خود را افزایش دهد و این لبه‌ای است که قطعاً در دهه آینده رشد خواهد کرد» (S. Nye Jr & Owens, 1996: 20-36).

دولت‌های ملی و کشورهای جهان سوم ضمن انتقاد از چنین شیوه‌های سلطه‌طلبانه‌ای، به کوشش‌های خود در راه استقرار «نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات» می‌افزایند: «نخستین انتقادهای علیه سوءاستفاده کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی از نظریه «جریان آزاد اطلاعات» در سال ۱۹۶۸ در جریان برگزاری سمپوزیوم «وسایل ارتباط جمعی و تفاهم بین‌المللی» از طرف محققان غرب و جهان سوم مطرح شد. در این سمپوزیوم که با کمک یونسکو و به‌وسیله «کمیسیون ملی یونسکو در یوگسلاوی» در شهر لوبلیانا تشکیل شد، بر شکاف فاحش اطلاعات مبادله‌شده بین کشورهای ثروتمند و پیشرفته غربی و ممالک فقیر و عقب‌مانده جهان سوم تأکید گذاشته شد و با تکیه بر عدم تعادل و یک‌جهتی بودن اطلاعات پخش شده از سوی خبرگزاری‌های بزرگ جهانی غرب، از ضرورت ایجاد یک «جریان متعادل اطلاعات» در سطح دنیا سخن به میان آمد» (معمد نژاد، ۱۳۶۹: ۱۳).

تأسیس انبوهی از خبرگزاری‌های اینترنتی، نوعی اقتدار «لکه‌های جوهری» را در برابر سلطه خبرگزاری‌های غربی مطرح کرده است. تأسیس این خبرگزاری‌ها درست مانند افشاندن لکه‌های جوهر بر صفحه اطلاع‌رسانی جهانی است. بی‌گمان به دلیل اتصال این لکه‌های جوهری بر شبکه جهانی اینترنت، انحصارات خبری کشورهای بزرگ صنعتی در آینده دچار شکنندگی و خسارت خواهد شد. از سوی دیگر رشد فناوری‌های نوین ارتباطی زمینه‌ای را فراهم کرده است تا انحصارات تصویری دولت‌های بزرگ غربی به‌ویژه امریکا را دچار شکنندگی کند.

«سرعت ارتباطات جهانی سبب تحمل فشارهایی بر سیاست‌گذاران خارجی شده است که در نتیجه این فشارها، وادار شده‌اند به رویدادهای جهانی سریع‌تر واکنش نشان دهند. همچنین به آن‌ها این فرصت را داده است که پیام‌های مهمی را که موجب تغییر در نتایج این رویدادها می‌شوند، از طریق رسانه ارسال کنند» (گیلبوا، ۱۳۹۶: ۳۸).

اگرچه دولت امریکا در هجوم نظامی به عراق در سال ۱۹۹۱ توانست با استفاده از شبکه تلویزیونی سی.ان.ان و برقراری سانسور خبری با پیروزی در تصویرسازی جنگ، سلطه خود را بر وسایل ارتباط جمعی جهان جشن بگیرد (Mowlana, Gerbner & Schiller, 1992)، اما تنها به فاصله یک دهه از آغاز جنگ دوم خلیج فارس، تهاجم دوم امریکا به عراق حکایت از شکست تصویری این کشور در جنگ داشت: «در جنگ دوم خلیج فارس بود که نخستین بار سربازان امریکایی توسط لپ‌تاپ‌های خود و از طریق وبلاگ‌نویسی، خاطرات روزانه‌شان را برای خانواده‌هایشان می‌فرستادند و البته همه مردم جهان نیز می‌توانستند این خاطرات را بخوانند» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). در چنین شرایطی خبرگزاری‌ها هم به نقل از وبلاگ‌نویس‌ها اخبار خود را پخش می‌کردند.

سیر تحولات دیپلماسی رسانه‌ای از زمان داریوش‌شاه و پس از آن در دوران کلیسا و سپس تأسیس خبرگزاری‌ها در اروپا و امریکا که به پیدایش اینترنت و شکل‌گیری وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی انجامید، مراحل مختلف اطلاع‌رسانی و نقش حاکمیت‌ها را به نمایش گذاشت. در دومین دهه از قرن بیست‌ویکم برخلاف اطلاع‌رسانی در دوران قدرت سخت درون حکومت امپراتوری داریوش‌شاه، یا شیوه اطلاع‌رسانی دربار پاپ برای ایجاد قدرت هوشمند، اکنون دولت‌ها مجبورند با استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای مردم را قانع و جذب سیاست‌هایشان کنند و این جذابیت را با قدرت سخت و توان نظامی خود بیامیزند تا در پیشبرد سیاست‌های خود موفق شوند. در این صورت دولت‌ها به مصرف اطلاعات و اخبار مردم می‌پردازند و تولید خبر یک‌سویه و عمودی از دولت‌ها به مردم جایش را به تولید و مصرف متقابل و تعاملی دولت‌ها و مردم می‌دهد.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه برشمردیم، پیدایش خبرگزاری‌ها در طول تاریخ با عملکردی فرهنگی و سیاسی همراه بوده است. این فعالیت‌های اطلاع‌رسانی از زمان داریوش‌شاه، پاپ کلمنس و هاواس تاکنون به‌خوبی قابل تبیین است. تأسیس نخستین شبکه اطلاع‌رسانی جهان به وسعت ایران تا یونان، بخشی از هویت ملی ایرانیان و فرهنگ آگاهی‌بخش آنان در جامعه است. فعالیت‌های خبرگزاری‌ها در دوران حکومت‌های سلاطینی مانند داریوش‌شاه، حاکمیت ملی پس از پیمان وستفالی و در نظام روابط بین‌الملل پس از دوران تأسیس سازمان ملل متحد، نشان‌دهنده امتزاج سیاست و خبر در جهت سلطه بر افکار عمومی و پیشبرد سیاست‌های صاحبان شرکت‌های چندملیتی برای ادامه حیات سرمایه در کشورهای تحت سلطه است.

با پیدایش خبرگزاری‌های اینترنتی و راه‌اندازی پایگاه‌های خبری اینترنتی و ظهور حدود ۵۶۰ شبکه ماهواره‌ای تلویزیونی، انحصار خبری خبرگزاری‌های بزرگ غربی به‌ویژه خبرگزاری‌های امریکایی دچار شکنندگی و آسیب‌پذیری شده است. در این میان، تلاش جهان سوم و کشورهای سوسیالیستی برای مقابله با سلطه ارتباطی غرب به‌ویژه در دوران جنگ سرد و درون سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، سازمان یونسکو و کنفرانس کشورهای غیرمتعهد قابل ارزیابی و تحسین است.

فهرست منابع

- ساماران، شارل و همکاران (۱۳۷۵). *روش‌های پژوهش در تاریخ*، جلد اول، چاپ دوم، ترجمه: ابوالقاسم بیگنا و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- صفایی، یزدان (۱۳۹۰). «ردّ احتمال یکسان بودن گنومات مغ و بردیا»، در: http://partizan_g.mihanblog.com/post/46521/4/1390
- کاپوشینسکی، ریزار (۱۳۷۸ الف). «دنیای رسانه‌های بین‌المللی، خونین و تحریف‌شده»، *روزنامه کیهان*، یکشنبه ۱۱ مهر ۱۳۷۸، شماره ۱۶۶۲۳.
- کاپوشینسکی، ریزار (۱۳۷۸ ب). «انگاره‌سازی در رسانه‌های جهانی»، *روزنامه کیهان*، پنجشنبه ۸ مهر ۱۳۷۸، شماره ۱۶۶۲۱.
- گیلبوا، ایتان (۱۳۹۶). *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، چاپ دوم، ترجمه: محمدصادق اسماعیلی و حسام‌الدین آشنا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مسعودی، امید (۱۳۸۴). «روش‌های جدید خبری در جنگ دوم خلیج فارس: انگاره‌سازی و جذب در بازی»، *فصلنامه سنجش و پژوهش*، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۴.
- مصباحیان، حسین (۱۳۸۹). «بازآفرینی خویشتن: مواجهه‌ای فلسفی با تاریخ‌نگاری هویت فرهنگی»، *دوفصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و دانشگاه الزهراء*، سال بیست‌ونهم، دوره جدید، شماره ۲۳، پیاپی ۱۰۸، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۶۹). «جهان سوم در راه استقرار نظام بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات»، در *یک جهان، چندین صدا: ارتباطات در جامعه امروز و فردا*، ویرایش شُن مک براید، ترجمه: ایرج پاد، تهران: سروش.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۸۲). *تقریرات کلاس درس «ارتباطات و روابط بین‌الملل»*، دوره دکترای علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۱-۸۲.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). *قدرت نرم*، ترجمه: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

ویلیامز، مارک (۱۳۷۹). «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، شماره مسلسل ۱۵۶-۱۵۵، مرداد و شهریور.

هابسبام، اریک (۱۳۷۹). آینده دولت، ترجمه: معصومه اکبرزاده لاله، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، شماره مسلسل ۱۵۶-۱۵۵، مرداد و شهریور.

Mowlana, Hamid and George Gerbner and Herbert. I. Schiller (1992). *Triumph of the Image of the Media's War in Persian Gulf, A Global perspective*, Boulder: Westview press.

Nye J. S. Jr and W. A. Owens (1996). "America's Information Age", *Foreign Affairs*, 1996, March-April.

Voyenne, Bernard (1962). *Presse dans la société Contemporaine*, Paris: Librairie A. Colin.